



نقش سبک فرزندپروری در شکل‌گیری کمال‌گرایی تحصیلی: یک مطالعه تطبیقی بین دانش‌آموزان دو استان کردستان و کرمانشاه

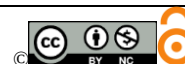
۱. علی عبدی*: کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مقصودی همدان - ایران
۲. مریم محمدی: کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه - ایران
۳. نوشین خالیدیان: کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مریوان / کردستان - ایران
۴. سعید کاکه جانی: کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مقصودی همدان - ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: karimich491@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه کمال‌گرایی تحصیلی و نقش سبک‌های فرزندپروری در دانش‌آموزان ابتدایی دو استان کردستان و کرمانشاه بود. روش پژوهش توصیفی و از نوع مقطعی-تطبیقی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان ابتدایی این دو استان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که از میان آن‌ها ۴۰۰ نفر (۲۰۰ نفر از کردستان و ۲۰۰ نفر از کرمانشاه) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه کمال‌گرایی کودکان و نوجوانان (C-PQ) فلت و همکاران (۲۰۱۶) و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (PAQ) بامریند (۱۹۹۱) استفاده شد. پایایی ابزارها با استفاده از آلفای کرونباخ مطلوب گزارش شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری تی مستقل و همبستگی پیرسون تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که میانگین کمال‌گرایی تحصیلی در دانش‌آموزان کردستان به طور معناداری بالاتر از کرمانشاه است. همچنین نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری مستبدانه با کمال‌گرایی رابطه مثبت و معناداری دارد، در حالی که سبک مقتدرانه در کرمانشاه و سبک مستبدانه در کردستان پررنگ‌تر است. براساس نتایج، سبک فرزندپروری نقش مهمی در شکل‌گیری کمال‌گرایی دانش‌آموزان دارد و لازم است با آموزش والدین به سمت سبک‌های مقتدرانه حرکت کرد.

کلیدواژه‌گان: کمال‌گرایی تحصیلی، سبک فرزندپروری، دانش‌آموزان ابتدایی، کردستان، کرمانشاه.



The Role of Parenting Style in Shaping Academic Perfectionism: A Comparative Study between Students of Kurdistan and Kermanshah Provinces

1. Ali Abdi*: B.A. in Educational Sciences, Farhangian University, Shahid Maghsoudi Campus, Hamedan - Iran
2. Maryam Mohammadi: M.A. in Educational Management, Islamic Azad University, Kermanshah Branch - Iran
3. Nooshin Khaledian: B.A. in Elementary Education, Islamic Azad University, Marivan Branch / Kurdistan - Iran
4. Saeed Kakajani: B.A. in Educational Sciences, Farhangian University, Shahid Maghsoudi Campus, Hamedan - Iran

*Corresponding Author's Email: karimich491@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study was to compare academic perfectionism and the role of parenting styles among elementary school students in the provinces of Kurdistan and Kermanshah. The research method was descriptive and of a cross-sectional-comparative type. The statistical population included all elementary school students in these two provinces during the 2024-2025 academic year, from whom 400 individuals (200 from Kurdistan and 200 from Kermanshah) were selected using multi-stage cluster sampling. To collect data, the Child and Adolescent Perfectionism Scale (CAPS) by Flett et al. (2016) and the Baumrind Parenting Style Questionnaire (PAQ) by Baumrind (1991) were used. The reliability of the instruments was reported as satisfactory using Cronbach's alpha. Data were analyzed using SPSS software and independent t-test and Pearson correlation statistical tests. The findings showed that the mean academic perfectionism in students of Kurdistan was significantly higher than that of Kermanshah. Furthermore, the results indicated that the authoritarian parenting style has a positive and significant relationship with perfectionism, while the authoritative style is more prominent in Kermanshah and the authoritarian style is more prominent in Kurdistan. Based on the results, parenting style plays an important role in shaping students' perfectionism, and it is necessary to move towards authoritative styles through parental education.

Keywords: *Academic perfectionism, Parenting style, Elementary students, Kurdistan, Kermanshah.*



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

در عصر جدید و با ورود به هزاره سوم، آموزش و پرورش با چالش‌ها و تحولات بنیادینی روبرو است که فراتر از انتقال صرف دانش و اطلاعات است. نظام‌های آموزشی امروزه نه تنها بر یادگیری محتوایی تمرکز دارند، بلکه به پرورش ابعاد مختلف شخصیت، سلامت روان و آمادگی دانش‌آموزان برای زندگی در جامعه‌ای پیچیده می‌پردازند. در این میان، مدرسه به عنوان محوری‌ترین نهج اجتماعی، نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت و آینده کودکان ایفا می‌کند. با این حال، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل درونی و بیرونی قرار دارد که تعامل پیچیده‌ای با یکدیگر دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که موفقیت تحصیلی تنها تابع هوش نیست، بلکه متغیرهای روان‌شناختی و محیطی نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشرفت یا افت تحصیلی ایفا می‌کنند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۰). در دنیای رقابتی امروز، فشارهای وارد بر دانش‌آموزان برای کسب نمرات کامل و رتبه‌های برتر، پدیده‌هایی را به وجود آورده است که نیازمند واکاوی دقیق می‌باشد.

یکی از سازه‌های روان‌شناختی که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است، «کمال‌گرایی تحصیلی» است. کمال‌گرایی را می‌توان تلاشی افراطی و غیرقابل انعطاف برای دستیابی به استانداردهای بسیار بالا و اجتناب از خطا تعریف کرد (فرازی و همکاران، ۱۳۹۲). اگرچه تلاش برای پیشرفت مثبت است، اما کمال‌گرایی زمانی که به شکل ناسالم بروز کند، می‌تواند منجر به اضطراب، استرس شدید، احساس گناه و حتی افت عملکرد شود. طباطبایی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعات خود نشان داده‌اند که کمال‌گرایی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده اهمالکاری تحصیلی باشد. دانش‌آموزان کمال‌گرا اغلب درگیر ترس از شکست هستند و این ترس مانع از شروع به کار یا تکمیل تکالیف آن‌ها می‌شود. شفیع و همکاران (۱۴۰۱) نیز در مدل خود نشان داده‌اند که کمال‌گرایی با بی‌نظمی هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش رابطه مستقیم دارد. بنابراین، شناسایی ریشه‌های شکل‌گیری این ویژگی در دانش‌آموزان، به ویژه در مقاطع ابتدایی که پایه‌های شخصیت گذاشته می‌شود، از اهمیت بالایی برخوردار است.

در میان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت و باورهای دانش‌آموزان، «سبک فرزندپروری» والدین نقشی انکارناپذیر دارد. سبک فرزندپروری به الگوی ثابتی از رفتارهای والدین در تربیت فرزندان اشاره دارد که ابعاد عاطفی، ساختاری و ارتباطی را در بر می‌گیرد. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که سبک‌های فرزندپروری مختلف، تأثیرات متفاوتی بر کمال‌گرایی فرزندان دارند. به عنوان مثال، پرکی و همکاران (۱۴۰۴) نشان داده‌اند که سبک‌های فرزندپروری مستقیماً بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبستانی تأثیر می‌گذارد. جهانگیرزاده قمی و همکاران (۱۳۹۸) نیز به رابطه دین‌داری و کمال‌گرایی والدین با سبک فرزندپروری پرداخته‌اند. مطالعات بین‌المللی نیز تأیید می‌کنند که سبک‌های مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه، اثرات متفاوتی بر بروز گرایش‌های کمال‌گرایانه دارند (بیلدیز و همکاران، ۲۰۲۰؛ آگاروال و دهنوال، ۲۰۲۴). کارمو و همکاران (۲۰۲۱) نیز نشان داده‌اند که کمال‌گرایی والدین و سبک فرزندپروری آن‌ها می‌تواند پیش‌بینی‌کننده کمال‌گرایی کودکان باشد. بنابراین، خانواده به عنوان اولین محیط تربیتی، بستری را فراهم می‌کند که در آن کودک ارزش‌ها و انتظارات مربوط به موفقیت را یاد می‌گیرد.

در این میان، توجه به ویژگی‌های فرهنگی و بومی هر منطقه ضروری است. استان‌های کردستان و کرمانشاه در غرب ایران، دارای فرهنگ‌ها، سنن و ساختارهای اجتماعی خاص خود هستند. در این مناطق، خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد و انتظارات والدین از فرزندان اغلب با حفظ آبرو، موفقیت تحصیلی و تداوم سنت‌ها گره خورده است. با این حال، تفاوت‌هایی در ساختار جمعیتی، میزان شهرنشینی و سبک زندگی بین این دو استان وجود دارد که می‌تواند بر الگوهای فرزندپروری و در نتیجه کمال‌گرایی دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. فرهمند و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی در کرمانشاه به بررسی رابطه خود-انضباطی و سبک‌های فرزندپروری با پیشرفت تحصیلی پرداخته‌اند که نشان‌دهنده اهمیت این متغیرها در این منطقه است. با

این حال، کمبود مطالعاتی که به طور مشخص این دو استان را با هم مقایسه کرده و به بررسی تفاوت‌های روان‌شناختی ناشی از سبک‌های فرزندپروری در آن‌ها بپردازد، به شدت احساس می‌شود.

مرور ادبیات موضوع نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های زیادی در زمینه کمال‌گرایی و سبک فرزندپروری انجام شده است، اما همچنان شکاف‌ها و خلاءهای وجود دارد. بسیاری از مطالعات بر روی دانش‌آموزان مقاطع متوسطه یا دانشگاهی تمرکز داشته‌اند و دوره ابتدایی که دوران طلایی شکل‌گیری شخصیت است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است (توسلی زاده و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین، اکثر پژوهش‌ها به بررسی متغیرها به صورت جداگانه پرداخته‌اند و مدل‌های تطبیقی بین فرهنگی که تفاوت‌های منطقه‌ای را در نظر بگیرند، محدود هستند. برای مثال، دینگ و همکاران (۲۰۱۹) و چن و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعات خود به رابطه این متغیرها در فرهنگ‌های دیگر پرداخته‌اند، اما تعمیم مستقیم این یافته‌ها به بافت فرهنگی ایران، به ویژه غرب کشور، بدون انجام مطالعات بومی دشوار است. علاوه بر این، نیاز به بررسی اینکه آیا سبک‌های فرزندپروری رایج در کردستان و کرمانشاه، به دلیل تفاوت‌های زیربنایی فرهنگی، تأثیرات متفاوتی بر کمال‌گرایی دانش‌آموزان دارند، یک ضرورت پژوهشی است. مشاهدات میدانی و ارتباطات مستمر با محیط‌های آموزشی در مناطق غرب کشور، حاکی از بروز پدیده‌های نگران‌کننده‌ای در میان دانش‌آموزان است که نمی‌توان با بی‌تفاوتی از آن گذشت. آنچه در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته، مشاهده دانش‌آموزان خردسالی است که در سال‌های ابتدایی تحصیل، به جای تجربه شادی یادگیری، درگیر اضطراب‌های شدید ناشی از ترس از خطا و فشار برای کسب نمرات کامل هستند. دغدغه اصلی محققان، درک عمیق این مسئله بود که چرا کودکان با وجود توانایی‌های بالقوه، خود را در بند اهداف غیرقابل دستیاب می‌بینند و کوچک‌ترین افت تحصیلی را به عنوان یک فاجعه تلقی می‌کنند. مشاهده والدینی که با وجود نیت خیر، اما از طریق الگوهای تربیتی خاص، فشارهای نامرئی و سنگینی را بر فرزندان تحمیل می‌کنند، این پرسش را در ذهن پژوهشگران برانگیخت که ریشه این فشارها تا چه حد به سبک‌های فرزندپروری رایج در فرهنگ این مناطق بازمی‌گردد. افزون بر این، تفاوت‌های ظریف در نگرش ساکنان دو استان کردستان و کرمانشاه نسبت به تربیت فرزند و تعریف موفقیت تحصیلی، محققان را به این سمت سوق داد که بررسی کنند آیا این تمایزات فرهنگی، منجر به شکل‌گیری سطوح متفاوتی از کمال‌گرایی در کودکان شده است یا خیر. مجموعه این مشاهدات و نگرانی‌ها پیرامون سلامت روان نسل آینده، انگیزه‌ای شد تا پژوهش حاضر با رویکردی علمی، به واکاوی ریشه‌های این مسئله بپردازد.

بنابراین، با توجه به مطالب مطرح شده و اهمیت نقش خانواده و سبک فرزندپروری در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان، و با در نظر گرفتن ضرورت انجام پژوهش‌های بومی و تطبیقی، هدف پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که آیا بین سبک‌های فرزندپروری و کمال‌گرایی تحصیلی در دانش‌آموزان ابتدایی استان‌های کردستان و کرمانشاه تفاوت معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

کمال‌گرایی به عنوان یک سازه چندبعدی، معمولاً به عنوان تلاشی مستمر و افراطی برای دستیابی به اهداف بسیار بالا و دست‌یافتنی، همراه با ارزیابی شدید و انتقادی از عملکرد خویش تعریف می‌شود. در بافت تحصیلی، کمال‌گرایی تحصیلی به معنای تمایل دانش‌آموز به تنظیم استانداردهای غیرقابل انعطاف برای تکالیف درسی، حساسیت بیش از حد نسبت به اشتباهات و نگرانی مداوم در مورد قضاوت دیگران است. طباطبایی و همکاران (۱۳۹۵) کمال‌گرایی را عاملی می‌دانند که می‌تواند هم به عنوان یک نیروی محرک برای پیشرفت و هم به عنوان یک عامل بازدارنده منجر به

اهمالکاری عمل کند. این سازه اغلب شامل دو جنبه «کمال گرایی مثبت/سازگارانه» و «کمال گرایی منفی/ناسازگارانه» است که هر کدام پیامدهای متفاوتی بر سلامت روان و عملکرد تحصیلی دارند.

ریشه‌های مطالعه کمال گرایی به نظریات روان‌کاوی برمی‌گردد، اما در دهه‌های اخیر به عنوان یک ویژگی شخصیتی مستقل مورد توجه قرار گرفته است. هورنای کمال گرایی را به عنوان یک مکانیزم دفاعی در برابر احساسات ناخوشایند توصیف کرد. بعدها پارکر و همکاران با تفکیک کمال گرایی نرمال از عصبی، پایه‌های نظری جدیدی را بنا نهادند. در نظریه‌های مدرن، کمال گرایی اغلب در مدل‌های شناختی-رفتاری بررسی می‌شود؛ جایی که باورهای مرکزی غیرمنطقی و استانداردهای سخت‌گیرانه، منجر به افکار ناکارآمد و رفتارهای اجتنابی می‌شوند. شفیع و همکاران (۱۴۰۱) در مدل مفهومی خود نشان داده‌اند که این باورها می‌توانند از طریق دلبستگی‌های ناایمن اولیه شکل بگیرند و در دوران مدرسه بروز یابند. سبک فرزندپروری به الگوی کلی رفتارهای والدین اشاره دارد که در تعامل با فرزند تکرار می‌شود و فضای عاطفی تربیتی را شکل می‌دهد. دایانا بامریند یکی از نظریه‌پردازان برجسته در این زمینه، سبک‌های فرزندپروری را بر اساس دو بعد «پاسخگویی» (میزان عشق و حمایت) و «توقع‌پذیری» (میزان کنترل و نظارت) دسته‌بندی کرد. این سبک‌ها شامل مقتدرانه (متعادل)، مستبدانه (کنترل‌گر و سخت‌گیر)، سهل‌گیرانه (آزادگذار) و غفلت‌کار است. بشارت و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه خود نشان داده‌اند که هر کدام از این سبک‌ها پیامدهای متفاوتی بر روان‌شناسی فرزندان دارند. برای مثال، سبک مقتدرانه با استقلال و اعتماد به نفس بالا، در حالی که سبک مستبدانه با اضطراب و کمال گرایی منفی مرتبط است.

ارتباط میان سبک فرزندپروری و شکل‌گیری کمال گرایی در فرزندان، به عنوان یکی از محورهای مهم پژوهش‌های خانواده شناخته می‌شود. والدینی که از سبک مستبدانه استفاده می‌کنند، اغلب استانداردهای بالایی را بدون توجه به نیازهای عاطفی کودک اعمال می‌کنند که می‌تواند منجر به شکل‌گیری «کمال گرایی تجویز شده از سوی جامعه» در فرزند شود. در مقابل، سبک‌های سهل‌گیرانه ممکن است منجر به کمال گرایی شخصی کمتری شوند، اما با نظم ضعیف‌تری همراه باشند. جهانگیرزاده قمی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داده‌اند که دین‌داری و باورهای والدین نیز می‌تواند بر شدت این سبک‌ها و در نتیجه بر کمال گرایی فرزندان تأثیر بگذارد. کارمو و همکاران (۲۰۲۱) نیز تأکید دارند که کمال گرایی والدین خود می‌تواند از طریق الگوبرداری و انتقال ارزش‌ها، کمال گرایی را در کودکان تقویت کند.

پیشینه تجربی

در داخل کشور، پژوهش‌های متعددی به بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و متغیرهای تحصیلی پرداخته‌اند. بشارت و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای بر روی خانواده‌های ایرانی به این نتیجه رسیدند که سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه، پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای سطوح مختلف کمال گرایی در فرزندان هستند. در پژوهشی دیگر، طباطبایی و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که کمال گرایی و سبک‌های فرزندپروری خاص، می‌تواند اهمالکاری تحصیلی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کنند که نشان‌دهنده نقش غیرمستقیم سبک تربیتی بر عملکرد تحصیلی است. همچنین، فرازی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای بر روی دانش‌آموزان دختر بیرجند دریافتند که ادراک دانش‌آموزان از سبک فرزندپروری والدین، رابطه مستقیمی با ابعاد مختلف کمال گرایی آن‌ها دارد. علاوه بر این، فرهنگ و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی دانش‌آموزان کرمانشاهی نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری با خود-انضباطی و پیشرفت تحصیلی در ارتباط است، که این یافته‌ها لزوم توجه به بافت فرهنگی منطقه در پژوهش‌های حاضر را برجسته می‌سازد.

در سطح بین‌المللی نیز مطالعات گسترده‌ای در این زمینه انجام شده است. بیلدیز و همکاران (۲۰۲۰) در یک مطالعه فراتحلیل نشان دادند که بین سبک‌های فرزندپروری و ابعاد مختلف کمال گرایی همبستگی معناداری وجود دارد و این رابطه در فرهنگ‌های مختلف قابل تعمیم است. همچنین، آگاروال و دهنوال (۲۰۲۴) در پژوهشی جدید به بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با نورو تیسیسم (عصبانیت) و کمال گرایی پرداختند و دریافتند

که سبک‌های فرزندپروری نامناسب می‌تواند زمینه‌ساز بروز کمال‌گرایی منفی و مشکلات هیجانی در فرزندان شود. این مطالعات تأکید می‌کنند که سبک‌های تربیتی نقش اساسی در شکل‌گیری باورهای کمال‌گرایانه دارند که باید در مداخلات آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع پیمایشی است. این مطالعه به صورت مقطعی انجام شده و به منظور مقایسه متغیرهای پژوهش در دو گروه مستقل (دانش‌آموزان استان کردستان و کرمانشاه) طراحی شده است. در این پژوهش سعی شده است رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و کمال‌گرایی تحصیلی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مورد بررسی قرار گیرد.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی (اول تا ششم) مشغول به تحصیل در استان‌های کردستان و کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ است. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. به این صورت که ابتدا از هر استان شهرستان‌ها به صورت تصادفی انتخاب شدند، سپس از هر شهرستان مدارس ابتدایی و در نهایت کلاس‌های درس به صورت تصادفی انتخاب گردیدند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد، ۴۰۰ نفر تعیین شد که به صورت مساوی شامل ۲۰۰ دانش‌آموز از استان کردستان و ۲۰۰ دانش‌آموز از استان کرمانشاه بودند.

برای گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامه استاندارد استفاده شد. اولین ابزار، پرسشنامه کمال‌گرایی کودکان و نوجوانان (C-PQ) است که توسط فلت و همکاران. در سال ۲۰۱۶ طراحی و ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۲۲ گویه است که ابعاد کمال‌گرایی خودمحور، کمال‌گرایی تجویزی از سوی جامعه و کمال‌گرایی دیگری‌محور را می‌سنجد. شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) انجام می‌شود که نمرات بالاتر نشان‌دهنده کمال‌گرایی بیشتر است. روایی محتوایی و سازه این پرسشنامه در مطالعات متعدد تأیید شده است. در پژوهش‌های داخلی، نسخه فارسی این ابزار توسط محققان ایرانی هنجاریابی شده و ضریب پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ گزارشی بالای ۰/۷۵ بوده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی این پرسشنامه برای کل نمونه ۰/۸۲ به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار بالای ابزار است.

ابزار دوم، پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (PAQ) است که توسط دایانا بامریند توسعه یافته و در سال‌های بعد توسط سایر پژوهشگران تکمیل شده است. این پرسشنامه ۳۰ گویه دارد که سه سبک اصلی فرزندپروری شامل مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیر را ارزیابی می‌کند. نمره‌گذاری این پرسشنامه نیز به صورت طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای انجام می‌شود. روایی این پرسشنامه در مطالعات گسترده بین‌المللی و داخلی تأیید شده است. در نسخه فارسی و هنجاریابی شده‌ی این ابزار در ایران، ضریب پایایی زیرمقیاس‌های آن بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۰ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز برای سنجش پایایی، آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۸ محاسبه گردید که بیانگر ثبات مناسب ابزار سنجش است.

در نهایت، پس از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات وارد کامپیوتر شد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS در نسخه ۲۶ استفاده شد. برای توصیف داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و برای بررسی فرضیه‌های پژوهش و مقایسه میانگین‌ها از آزمون‌های آمار استنباطی شامل آزمون تی مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همچنین برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بهره گرفته شد.

یافته‌ها

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) متغیرهای پژوهش در کل نمونه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
کمال‌گرایی تحصیلی	400	65.42	12.35	30.00	98.00
سبک فرزندپروری مقتدرانه	400	42.18	8.76	18.00	58.00
سبک فرزندپروری مستبدانه	400	28.65	7.42	12.00	50.00
سبک فرزندپروری سهل‌گیر	400	25.30	6.15	10.00	45.00

جدول ۱، آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را برای ۴۰۰ دانش‌آموز نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، میانگین نمرات کمال‌گرایی تحصیلی ۶۵٫۴۲ با انحراف معیار ۱۲٫۳۵ است که نشان می‌دهد دانش‌آموزان از نظر کمال‌گرایی در سطح متوسط به بالایی قرار دارند. در بین سبک‌های فرزندپروری، سبک مقتدرانه با میانگین ۴۲٫۱۸ بالاترین میانگین را دارد که نشان‌دهنده غالب بودن این سبک در بین والدین مشارکت‌کننده در پژوهش است. پس از آن به ترتیب سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیر قرار دارند.

جدول ۲. مقایسه میانگین نمرات کمال‌گرایی تحصیلی در دانش‌آموزان دو استان کردستان و کرمانشاه

استان	تعداد	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	سطح معناداری (p-value)
کردستان	200	68.15	11.20	398	2.45	0.015
کرمانشاه	200	62.70	13.10			

جدول ۲، نتایج آزمون تی مستقل برای مقایسه کمال‌گرایی تحصیلی در دو استان را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، میانگین کمال‌گرایی در دانش‌آموزان کردستان (۶۸٫۱۵) بیشتر از دانش‌آموزان کرمانشاه (۶۲٫۷۰) است. با توجه به اینکه مقدار t برابر ۲٫۴۵ و سطح معناداری (۰٫۰۱۵) کوچکتر از ۰٫۰۵ است، این تفاوت از نظر آماری معنادار است. بنابراین می‌توان گفت دانش‌آموزان استان کردستان سطح کمال‌گرایی تحصیلی بالاتری نسبت به دانش‌آموزان استان کرمانشاه دارند.

جدول ۳. مقایسه سبک‌های فرزندپروری در دو استان کردستان و کرمانشاه

سبک فرزندپروری	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری (p-value)
مقتدرانه	کردستان	200	40.50	9.10	2.85	0.005
	کرمانشاه	200	43.85	8.20		
مستبدانه	کردستان	200	30.20	7.80	1.98	0.048
	کرمانشاه	200	27.10	6.95		
سهل‌گیر	کردستان	200	24.80	5.90	1.15	0.250
	کرمانشاه	200	25.80	6.40		

جدول ۳، نتایج مقایسه سبک‌های فرزندپروری در دو استان را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، در سبک فرزندپروری مقتدرانه، میانگین کرمانشاه (۴۳٫۸۵) به طور معناداری ($p < 0.05$) بالاتر از کردستان (۴۰٫۵۰) است؛ به این معنی که والدین در کرمانشاه مقتدرانه‌تر رفتار می‌کنند. در مقابل، در سبک مستبدانه، میانگین کردستان (۳۰٫۲۰) به طور معناداری ($p < 0.05$) بیشتر از کرمانشاه (۲۷٫۱۰) است که نشان‌دهنده سخت‌گیری بیشتر والدین در کردستان است. در سبک سهل‌گیر، اگرچه میانگین کرمانشاه کمی بالاتر است، اما این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست ($p > 0.05$).

جدول ۴. ضریب همبستگی پیرسون بین سبک‌های فرزندپروری و کمال‌گرایی تحصیلی

متغیر	کمال‌گرایی تحصیلی
سبک مقتدرانه	0.12*
سبک مستبدانه	0.45**
سبک سهل‌گیر	-0.08

* معناداری در سطح ۰,۰۵. ** معناداری در سطح ۰,۰۱

جدول ۴، همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری و کمال‌گرایی تحصیلی را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، بین سبک فرزندپروری مستبدانه و کمال‌گرایی تحصیلی همبستگی مثبت و معناداری در سطح ۰,۰۱ وجود دارد ($r=0.45$). این بدان معناست که هر قدر والدین مستبدانه‌تر باشند، کمال‌گرایی تحصیلی فرزندان بیشتر می‌شود. بین سبک مقتدرانه و کمال‌گرایی نیز همبستگی مثبت ضعیف و معناداری وجود دارد ($r=0.12$). بین سبک سهل‌گیر و کمال‌گرایی همبستگی معناداری مشاهده نشد.

جدول ۵. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیر	آماره K-S	سطح معناداری (p-value)	وضعیت توزیع
کمال‌گرایی تحصیلی	1.18	0.12	نرمال
سبک مقتدرانه	0.95	0.32	نرمال
سبک مستبدانه	1.05	0.21	نرمال
سبک سهل‌گیر	0.88	0.41	نرمال

جدول ۵، نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف را برای بررسی فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، سطح معناداری (p-value) برای تمام متغیرهای پژوهش بزرگتر از ۰,۰۵ است. این موضوع نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها از نرمال بودن خارج نشده است و استفاده از آزمون‌های پارامتریک (مانند t و پیرسون) برای تحلیل داده‌ها توجیه آماری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در بخش نخست نتایج پژوهش، بررسی‌ها نشان داد که بین دو استان کردستان و کرمانشاه در میزان کمال‌گرایی تحصیلی دانش‌آموزان تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد به طوری که دانش‌آموزان در استان کردستان گرایش بیشتری به کمال‌گرایی نشان می‌دهند. همچنین نتایج حاکی از آن بود که سبک‌های فرزندپروری غالب در این دو استان با یکدیگر متفاوت است؛ به این معنا که در کرمانشاه سبک مقتدرانه و در کردستان سبک مستبدانه پررنگ‌تر است. علاوه بر این، همبستگی معناداری میان سبک فرزندپروری مستبدانه و افزایش کمال‌گرایی تحصیلی مشاهده شد که نشان می‌دهد هرچه والدین سخت‌گیرتر و کنترل‌گراتر باشند، فرزندان آن‌ها فشار بیشتری برای بی‌نقص بودن احساس می‌کنند. در مقابل، سبک مقتدرانه اگرچه با کمال‌گرایی مرتبط بود اما این رابطه نسبت به سبک مستبدانه ضعیف‌تر بود و سبک سهل‌گیر رابطه خاصی با کمال‌گرایی نداشت. به طور کلی، داده‌های پژوهش تأیید می‌کند که محیط خانواده و سبک تعامل والدین، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری استانداردهای تحصیلی و روانی دانش‌آموزان دارد.

در بخش دوم و در راستای همسویی یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین، نتایج این مطالعه با تحقیقات داخلی و خارجی متعددی همخوانی دارد. یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر رابطه مثبت سبک مستبدانه با کمال‌گرایی، با نتایج بشارت و همکاران (۱۳۹۰) که نشان دادند سبک‌های سخت‌گیرانه

می‌توانند کمال‌گرایی را در فرزندان افزایش دهند، مطابقت دارد. همچنین، مشاهده تفاوت‌های منطقه‌ای و تأثیر سبک فرزندپروری بر پیشرفت تحصیلی، با یافته‌های فرهمند و همکاران (۱۳۹۳) در کرمانشاه که به اهمیت سبک‌های تربیتی در عملکرد تحصیلی اشاره داشتند، همسو است. علاوه بر این، تأکید پژوهش حاضر بر نقش خانواده در شکل‌گیری کمال‌گرایی با مطالعه فرازی و همکاران (۱۳۹۲) که ادراک دانش‌آموزان از سبک فرزندپروری را با کمال‌گرایی آن‌ها مرتبط دانستند، هم‌راستا است. در سطح بین‌المللی نیز، این نتایج با پژوهش ییلدیز و همکاران (۲۰۲۰) که در فراتحلیل خود نشان دادند سبک‌های فرزندپروری نامناسب با کمال‌گرایی همبستگی دارند، سازگار است. همچنین، یافته مبنی بر تأثیر مستقیم کنترل و فشار والدین بر کمال‌گرایی فرزندان، با نتایج آگاروال و دهنوال (۲۰۲۴) که به رابطه سبک‌های فرزندپروری با نورووتیسیسم و کمال‌گرایی پرداختند، همخوانی دارد.

در بخش سوم و با تکیه بر نظریه‌های موجود، نتایج پژوهش را می‌توان بر اساس نظریه‌های شناختی-رفتاری و نظریه دلبستگی تبیین کرد. از منظر نظریه شناختی-رفتاری، کودکانی که در معرض سبک فرزندپروری مستبدانه قرار دارند، باورهای مرکزی غیرمنطقی و طرح‌واره‌هایی نظیر «من باید همیشه بی‌نقص باشم تا مورد تایید قرار بگیرم» را درونی می‌کنند. این باورها که ناشی از شرطی‌سازی والدین است، منجر به شکل‌گیری کمال‌گرایی ناسازگار می‌شود که در آن دانش‌آموز ارزش خود را تنها به عملکرد تحصیلی گره می‌زند. همچنین، نظریه دلبستگی بیان می‌کند که سبک‌های فرزندپروری نایمن مانند استبداد، باعث می‌شود کودک برای جلب توجه و محبت والدین، تلاش‌های افراطی و مضطربانه‌ای انجام دهد که در بافت مدرسه به صورت کمال‌گرایی بروز می‌کند. نظریه بامریند نیز توضیح می‌دهد که چرا سبک مقتدرانه با وجود کنترل، به دلیل وجود حمایت عاطفی، اثرات مخرب کمتری نسبت به سبک مستبدانه دارد.

در بخش چهارم و از دیدگاه پژوهشگران، تبیین نتایج نشان می‌دهد که تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی بین دو استان کردستان و کرمانشاه نمی‌تواند نادیده گرفته شود. پژوهشگران معتقدند که در کردستان، به دلیل ساختار اجتماعی خاص و شاید حساسیت بیشتر بر روی حفظ آبرو و جایگاه خانوادگی، والدین ناخودآگاه فشار بیشتری را برای موفقیت ظاهری فرزندان اعمال می‌کنند که خود را در قالب سبک مستبدانه و کمال‌گرایی بالاتر دانش‌آموزان نشان می‌دهد. در مقابل، در کرمانشاه با وجود وجود فشارهای تحصیلی، سبک مقتدرانه که ترکیبی از عقلانیت و محبت است، بیشتر رواج دارد که می‌تواند ناشی از تفاوت در سبک زندگی و تعاملات اجتماعی باشد. پژوهشگران بر این باورند که کمال‌گرایی در دانش‌آموزان ابتدایی، بازتابی از انتظارات پنهان و آشکار والدین است و وقتی این انتظارات بدون انعطاف‌پذیری همراه باشد، کودک را در معرض آسیب‌های روانی قرار می‌دهد.

در بخش پنجم و به عنوان نتیجه‌گیری کلی، می‌توان گفت که سبک فرزندپروری نقش کلیدی در پیش‌بینی و تبیین کمال‌گرایی تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی ایفا می‌کند. نتایج این پژوهش نشان داد که سبک مستبدانه به دلیل ماهیت کنترل‌گر و بدون حمایت خود، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده کمال‌گرایی است، در حالی که سبک مقتدرانه با ایجاد تعادل بین قوانین و عاطفه، می‌تواند محیط سالم‌تری برای رشد تحصیلی فراهم کند. همچنین، تفاوت‌های منطقه‌ای بین دو استان نشان داد که بافت فرهنگی بر انتخاب سبک فرزندپروری تأثیر می‌گذارد و در نتیجه بر میزان کمال‌گرایی دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. بنابراین، برای کاهش کمال‌گرایی مخرب و افزایش سلامت روان دانش‌آموزان، لازم است که مداخلات آموزشی با تمرکز بر اصلاح سبک‌های فرزندپروری و آگاه‌سازی والدین نسبت به آسیب‌های سخت‌گیری افراطی طراحی و اجرا شوند.

در بخش ششم و در پایان، باید به محدودیت‌ها و پیشنهادات پژوهش اشاره کرد. از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به روش خودگزارشی اشاره کرد که ممکن است با سوگیری‌های پاسخ‌دهی همراه باشد و همچنین حجم نمونه که با وجود کفایت، تعمیم‌پذیری نتایج را به تمام مناطق روستایی و شهری دو استان محدود می‌کند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، از روش‌های چندمنبعی مانند گزارش معلمان و والدین به همراه

خودارزیابی دانش‌آموزان استفاده شود تا اعتبار داده‌ها افزایش یابد. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های کیفی انجام شود تا عمق مکانیسم‌های روان‌شناختی مؤثر بر رابطه سبک فرزندپروری و کمال‌گرایی در فرهنگ‌های بومی غرب کشور بهتر درک شود. علاوه بر این، توصیه می‌شود که مداخلات آموزشی برای والدین در قالب کارگاه‌های «فرزندپروری مقتدرانه» در مدارس ابتدایی این دو استان برگزار گردد تا آگاهی والدین نسبت به اثرات بلندمدت سبک تربیتی خود بر کمال‌گرایی فرزندان افزایش یابد.

سپاسگزاری

تقدیر و تشکر از تمامی دانش‌آموزان، معلمان و والدینی که در انجام این پژوهش کمال همکاری بعمل آوردند.

منابع

- بشارت، محمدعلی، عزیزی، کورش، و پورشریفی، حمید. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی. خانواده پژوهی، ۷(۲)، ۱۳۷-۱۴۸.
- پرکی، جمیله، بلوچ‌زهی، عبدالبشیر، پرکی، سمیرا، میرکزه‌ی، زهرا، و پرکی، مهرناز. (۱۴۰۴). تاثیر سبک‌های فرزندپروری بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبستانی. انتشارات اوین.
- توسلی زاده، راحیل، حسینی، سعیده السادات، امیری، حسن، و عارفی، مختار. (۱۴۰۱). ارائه مدل اختلالات یادگیری بر اساس کمال‌گرایی و سبک فرزندپروری. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۶(۲)، ۲۹۰-۳۰۰.
- جهانگیرزاده قمی، محمدرضا، صادقی سرشت، علی، و شکری، حسن. (۱۳۹۸). رابطه دین‌داری و کمال‌گرایی والدین با سبک فرزندپروری والدین. اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ۵(۱۱)، ۱۰۳-۱۲۱.
- شفیعی، محمد، عباسی، محمد، و قدم پور، عزت اله. (۱۴۰۱). تدوین مدل کمال‌گرایی دانش‌آموزان تیزهوش بر اساس دلبستگی ناایمن، سبک‌های فرزندپروری و باورهای غیرمنطقی با میانجی‌گری بی‌نظمی هیجانی. فصلنامه کودکان استثنایی، ۲۲(۱)، ۶۸-۵۷.
- طباطبایی، سیدموسی، خداداد، مرضیه، و صادقی راد، لیلا. (۱۳۹۵). بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری و کمال‌گرایی والدین در پیش‌بینی اهمالکاری تحصیلی دانش‌آموزان. در ششمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی. تهران.
- عنوان پایان‌نامه: رابطه سبک‌های فرزندپروری با خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. (۱۳۹۰). [کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان].
- عنوان پایان‌نامه: رابطه سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی و تصویربندی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر اهواز. (۱۳۹۴). [کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان].
- فرازی، فریبا، خامسان، احمد، و اسدی یونسی، محمدرضا. (۱۳۹۲). رابطه ادراک از سبک‌های فرزندپروری با ابعاد کمال‌گرایی دانش‌آموزان دختر شهر بیرجند. خانواده پژوهی، ۹(۳۶)، ۴۵۰-۴۳۹.
- فرهمنند، سحر، حسینیان، سیمین، و یزدی، سیده منور. (۱۳۹۳). بررسی رابطه خود-انضباطی و سبک‌های فرزندپروری با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر کرمانشاه در سال ۹۱-۹۲. فصلنامه علمی-پژوهشی خانواده و پژوهش، ۱۱(۲)، ۶۸-۵۱.
- محمدیان آکرودی، ابراهیم، خان محمدی، ارسلان، بابایی کفاکی، هدی، و فریدونی، فرهنگ. (۱۳۹۴). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی و مثبت‌اندیشی والدین. در کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی.
- Agarwal, T., & Dhenwal, S. (2024). Investigating the relationship of parenting styles with neuroticism and perfectionism. *Educational Administration: Theory and Practice*, 30(5), 9718-9730.
- Assaad, S. L. S. (2023). *The effects of perceived parenting style on the development of perfectionistic tendencies and proneness to guilt and shame in young adulthood* [Doctoral dissertation, Alliant International University].
- Carmo, C., Oliveira, D., Brás, M., & Fáisca, L. (2021). The influence of parental perfectionism and parenting styles on child perfectionism. *Children*, 8(9), 777.
- Chen, W. W., Yang, X., & Jiao, Z. (2022). Authoritarian parenting, perfectionism, and academic procrastination. *Educational Psychology*, 42(9), 1145-1159.

- Cui, J., Zhu, K., Wen, J., Nie, W., & Wang, D. (2023). The relationship between moral judgment ability, parenting style, and perfectionism in obsessive-compulsive disorder patients: A mediating analysis. *Frontiers in Psychology*, 14, 1133880.
- Ding, X., Zhibing, Z., & Ge, G. (2019, August). The study on the relationship among parenting style, negative perfectionism and academic burnout of college students. In *2019 10th International Conference on Information Technology in Medicine and Education (ITME)* (pp. 237-240). IEEE.
- Yıldız, M., Duru, H., & Eldeleklioğlu, J. (2020). Relationship between parenting styles and multidimensional perfectionism: A meta-analysis study. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 20(4).
- Zhang, L., Liu, L., Wang, P., Wu, X., & Wang, W. (2025). Parents' behavioural control affects chinese college students' school burnout and perceived employment stress: Different effects via self-oriented, other-oriented, and socially prescribed perfectionism. *Emerging Adulthood*, 13(2), 395-409.